

هویت یابی متمایز دختران نسل نو با تاکید بر تحصیلات دانشگاهی

شیرین احمدنیا^۱

شمیم شرافت^۲

کیانا تقی خان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۹

امروزه، با توجه به سرعت تغییرات ارزشی و هنجاری، شاهد پدید آمدن نسلی نو از دختران در جامعه چند فرهنگی ایران هستیم. تفاوت‌های بین نسلی را می‌توان آشکارا در قالب شیوه‌های نوین زندگی، محدوده‌های انتخاب و آرمان‌ها و اهداف نوین دختران در مقایسه با مادرانشان یافت. نگارندگان در این پژوهش با رویکرد کیفی به واکاوی ایده‌آل‌های ذهنی، تجربیات و باورهای دو نسل متفاوت از زنان در تهران معاصر می‌پردازند. نسل زنانی با تحصیلات دانشگاهی و نسل مادرانشان که در مقایسه، از سطوح تحصیلی پایین‌تری برخوردار بوده‌اند. تنوع و تکثر مسیرهایی که پیش روی دختران در ذهنشان ترسیم شده و یا در جریان زندگی و تجربیات زیسته‌شان متبلور می‌شوند و خود را در چارچوب تفاوت‌های بین نسلی بازمی‌نمایاند، یافته اصلی این تحقیق است. در جریان مصاحبه‌های عمیق نیمه ساخت یافته، جمعیت نمونه هدفمندی از دختران که دارای ویژگی ورود به عرصه تحصیلات تکمیلی در رشته‌های متنوع بوده‌اند و انجام مصاحبه با مادران همان نسل را انتخاب کرده ایم. یافته‌های تحقیق بیانگر شواهدی از بروز تفاوت‌های قابل لمس در حیطه تعریف نقش، هویت پذیری، انگیزه فعالیت و کار، معیارهای همسرگزینی، انتظار از نقش‌های زناشویی و آمان‌گرایی و مسئولیت‌پذیری میان دو نسل متوالی زنان در تهران است.

واژگان کلیدی: نقش‌های زنان، آرمان‌گرایی، تحصیلات دانشگاهی و شکاف نسلی

E-mail: Shirin.ahmadnia@gmail.com

^۱ دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

در شرایط اجتماعی و اقتصادی امروز در جامعه ایران، با تغییرات ارزشی و هنجاری شتابنده آن با مفاهیمی چون شکاف نسلی روبرو هستیم که ابعاد آن نسبت به شرایط نسل‌های قبل، وسیع‌تر و متنوع‌تر شده است. مروری بر آمار نظام آموزش عالی ایران در دهه‌های اخیر، حکایت از حضور چشمگیر دختران در دانشگاه‌ها و افزایش تدریجی حضور زنان در عرصه تحصیلات تکمیلی در مقایسه با نسل‌های قبل دارد؛ چنان‌که مشاور عالی سازمان سنجش کشور (۱۳۹۴) در مصاحبه با خبرگزاری مهر اعلام کرده است که زنان ۴۲/۷ درصد جمعیت متقاضیان دکترا را تشکیل داده‌اند. محمدجواد محمودی، رییس مرکز مطالعات جمعیت‌شناسی آسیا و اقیانوسیه نیز در میزگرد کنکور و افزایش جمعیت (۱۳۹۱) اعلام کرد: "در سال ۵۷ نسبت ورود زنان به مردان داوطلب آموزش عالی ۳۰ درصد به ۷۰ درصد بود. در سال ۷۸ این نسبت برابر شد و در حال حاضر ۶۰ درصد از داوطلبان ورود به کنکور زنان هستند."

با توجه به افزایش سطح تحصیلات عمومی، امکانات تحصیلات تکمیلی و متعاقب آن افزایش نسبی حضور زنان در عرصه عمومی و مشارکتشان در فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی و در عصر پدیدار شدن تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، الگوهای رفتاری و سبک زندگی نوینی پدیدار شده است. رفتار و سبک زندگی خانوادگی نسل‌های قبل، شباهت بیشتری با نسل‌های ماقبل خود داشت، در حالی که در میان نسل‌های جوان، شاهد تفاوت‌های آشکارتری در میان دختران و مادرانشان (به فاصله یک نسل) هستیم. تفاوت در سلاط، آرزوها و ایده‌آل‌ها، معیارها و شیوه‌های همسرگزینی، مسیر فعالیت‌ها و نقش آفرینی، رفتارهای اجتماعی فرهنگی، نحوه معاشرت و گذران اوقات فراغت و غیره موجب می‌شوند که تعریف نقش‌های خانوادگی و انتظارات از نقش‌ها دچار تغییر و تحول قابل توجهی شود و هویت‌های نوینی به ویژه برای دختران در سطوح تحصیلات بالاتر شکل بگیرد. دختران امروزی با حقوق و تکالیف و مسئولیت‌های جدیدی با توجه به اختیار عمل فزاینده فردی‌شان مواجه‌اند و در واقع خودشان برای خود تعیین تکلیف می‌کنند. بسیاری از دختران نسل نو، از فضای زندگی سنتی و مالوف والدین خود فاصله گرفته‌اند و آنچنان آشنایی و تجربه قبلی در مواجهه با شرایط روز ندارند تا بتوانند با اطمینان خاطر، تصمیم‌گیری یا مدیریت مناسبی داشته باشند.

تفاوت میان تحصیلات زنان دو نسل موجب ایجاد فاصله‌ای بین دختران دارای تحصیلات عالی با مادران خود که فاقد این سطح از تحصیلات هستند، می‌شود که در این تحقیق به عنوان عاملی تعیین کننده برای شناسایی فاصله نسلی و نمود آن در شئون مختلف زندگی دو نسل از زنان، دختران و مادرانشان در نظر گرفته شده است؛ فاصله‌ای که میان ارزش‌های یک نسل و نسل دیگر به چشم می‌آید. فاصله بین نسلی در این تحقیق به معنای فاصله میان مادری فاقد تحصیلات دانشگاهی با فرزند دخترش است که دارای تحصیلات دانشگاهی است.

شکاف نسلی از مسائلی است که در تحقیقات در حوزه آسیب‌شناسی خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله تحقیقات صورت گرفته، پژوهش پیرامون شکاف نسلی و تاثیر رسانه‌های جمعی و یا معاشرت نسل‌ها بوده است. برای مثال، امروزه ماهواره و اینترنت از جمله عوامل موثر بر شکاف نسلی جوانان و والدینشان شناخته شده‌اند. از مزایای اینترنت به ایجاد یک فضای عمومی دموکراتیک برای اظهار نظر و تبادل آزادانه‌تر اشاره می‌شود که امکان تعاملی چندجانبه و مواجهه با دیدگاه‌های متفاوت را برای نسل جدید فراهم کرده است (جهانبخش، ۱۳۹۵: ۴۹؛ عباسی اسفجیر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۵). شکاف نسلی گاه موجب گرایش بیش‌تر جوانان به معاشرت با همسالان خود و فاصله‌گیری از والدین می‌شود. پژوهش‌ها در بررسی جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان داده‌اند که بین نسل جوان با دو نسل پیشین خود تفاوت‌های معناداری در هنجارها و رفتارها وجود دارد که بخشی از این تفاوت‌ها وابسته به دوره زندگی فرد و اقتضای طبیعی روند تاریخی در هر جامعه است، اما از سوی دیگر همین تفاوت‌ها به شکاف نسلی منجر شده است (عیوضی، ۱۳۹۴: ۹۳).

در تعریف موضوع باید گفت منظور از فاصله نسلی، تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای میان خانواده و فرزندان است. این اصطلاح به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود (معید فر، ۱۳۸۰: ۶۴). عیوضی به نقل از شرفی (۱۳۹۴: ۹۶) اشاره کرده است: "این اختلاف در ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها موجب جدایی نسل قدیم و طغیان نسل جدید در مقابل نسل پیشین می‌شود. در این شرایط اغلب جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای خود را از والدین و یا نسل پیشین رها کنند. در صورتی که فرآیند جامعه‌پذیری بنا به مسائل داخلی و یا خارجی دچار مشکل شود و

این فرآیند به طور ناقص صورت پذیرد. بدین ترتیب، فرهنگ جامعه به صورت مطلوبی به نسل بعدی انتقال پیدا نمی‌کند، تداوم فرهنگی و ارزشی دچار مشکل می‌شود و بین نسل قدیم و جدید شکاف ایجاد می‌شود." می‌توان پدیده‌ای همچون شکاف نسلی یا تقابل سنتی و مدرن را در جوامع به اصطلاح "در حال گذار" و یا جوامعی که تحولات سریع اجتماعی - سیاسی را در خود می‌بینند به شکل بارزتری یافت. نمونه آن نیز وجود کثرت‌گرایی در نسل جدید است که در برابر یکدستی و همگونی نسل پیش قرار می‌گیرد. محققان اختلاف نسلی را به معنای تفاوت طبیعی در باورها، ارزش‌ها و هنجارهای میان نسل‌ها می‌دانند و گسست نسلی را اختلافات ارزشی، هنجاری، فکری و اعتقادی میان نسل‌ها تعریف می‌کنند که موجب جدایی نسل‌ها می‌گردد. همچنین شکاف نسلی را اختلاف میان نسل‌ها با صورتی تعاملی می‌پندارند که با تعارض نسلی که می‌تواند با کشمکش و تضاد همراه باشد، متفاوت است (ساروخانی و صداقتی فرد، ۱۳۸۸: ۱۹).

در این تحقیق در حوزه نظری، نگارندگان از آرای شوتس، برگر و لاکمن بیش از همه بهره برده‌اند. در سنت هستی‌شناسی ایده‌آلیستی، ذهنیت کنشگران و تعاریف آن‌ها از واقعیت در پژوهش اهمیت دارد. شوتس (۱۹۷۰: ۹۸) در تفسیر پدیدارشناختی خود تلاش دارد جهان اجتماعی را آنچنان که کنشگران خود در زندگی روزمره خویش آن را می‌سازند، تحلیل کند. وی معتقد است که الگوهایی از پیش، بیرون از ما وجود دارند و ما با کنش‌های خود انتخاب می‌کنیم که چه الگویی را برگزینیم. انسان‌ها به‌زعم شوتس، با کنش‌های اجتماعی خود به ساخت واقعیت می‌پردازند و همچنان این ساخت‌ها آن‌ها را محدود می‌سازند. انسان‌ها در بستر ساختار اجتماعی به کنش خلاقانه دست می‌زنند. بدین منظور وی مفهوم زیست-جهان یا جهان حیاتی را به کار می‌برد. جهان حیاتی برای او چارچوب‌های از پیش تعیین‌شده‌ای هستند که عمدتاً ریشه فرهنگی دارند و بر افکار و کنش‌های کنشگران تأثیر می‌گذارند. الگوهای ذهنی و عینی موجود در جامعه توسط فرهنگ به افراد انتقال داده می‌شوند و افراد مطابق با جهان حیاتی خود آن‌ها را می‌پذیرند و یا به دستکاری آن می‌پردازند. فرهنگ همواره پیش از ما وجود داشته است و ما تنها در آن دخل و تصرف می‌کنیم و آن را به نسل بعد انتقال می‌دهیم. در این جهان حیاتی است که تجربه‌ها و اعمال ما شکل می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۲۷۰).

شفرز (۱۳۸۹: ۴۰) نیز با اشاره به آرای مید اظهار داشته است: "رابطه نسل‌ها با یکدیگر، یکی از عناصر اساسی پویایی فرهنگ عمومی است." وی ادامه می‌دهد: "در جامعه امروزی، جامعه‌پذیری دیگر تنها در خانواده

صورت نمی‌گیرد و عناصر متعددی در شکل‌گیری رفتار جوانان و شخصیت آنان تأثیرگذارند". مطابق با نظریه کنش که شفرز به آن می‌پردازد، جوان مقوله‌ای است با کنش‌ها و انگیزه‌ها و علائق منحصر به فرد خود. جوانان آگاهانه کنش‌های مبتنی بر آداب و رسوم و سنت را نمی‌پذیرند و به سمت علائق هم‌سالان خود بیش‌تر گرایش و تعلق خاطر پیدا می‌کنند. برگر و لاکمن (۱۹۹۱: ۱۱۷) - دو نظریه‌پردازانی که به بررسی شخصیت در جامعه مدرن پرداخته‌اند - معتقدند در جامعه مدرن نقش خانواده، همچون سایر ساختارهای تثبیت‌شده سنتی بیش از پیش متزلزل می‌شود و انگاره‌هایی که در نسل‌های پیش کارکرد داشته‌اند، در دوران مدرن بی‌کارکرد می‌شوند. دیگر اصول بدیهی پذیرفته‌شده اعتبار خود را از دست می‌دهند و جای خود را به اصول متزلزل فردی می‌دهند. تحقیقات انجام‌شده معمولاً به شکاف نسلی به‌عنوان عاملی متمایزکننده (میان والدین و فرزندان) و در معنایی منفی پرداخته‌اند، اما بنا به ضرورت توسعه نظری در این حوزه، تلاش نگارندگان بر این بوده تا در چارچوب این پژوهش، فاصله بین نسلی در مورد یک جنس، یعنی مادران و دختران بررسی شود و نیز به‌عنوان امری پویا فارغ از معنای مثبت یا منفی اش مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد.

باتوجه به داده‌های موجود این سوالات پیش می‌آید:

- زیست جهان‌های متفاوت مادران و دختران در چه حوزه‌هایی است؟
- عامل اصلی و عوامل فرعی متفاوت در زیست جهان‌های مادران و دختران کدام‌اند؟

روش شناسی پژوهش

در سنت هستی‌شناختی ایده‌آلیستی، واقعیت در کنش‌های اجتماعی زندگی روزمره‌ی ما تولید و بازتولید می‌شود. واقعیت، سیال است و کنشگر، خلاق. بر این اساس، با تکنیکی همچون مصاحبه عمیق می‌توان واقعیت را از دل صحبت‌های کنشگر بیرون کشید. در این روش، داده‌ها به متن که ویژگی چون سیالیت و تفسیرپذیری دارد تبدیل می‌شوند و مورد کنکاش قرار می‌گیرند. در معرفت‌شناسی ذهنی‌گرا واقعیت برساخته شده توسط کنشگر با زبانی عامیانه تحلیل می‌شود و برساخت درجه اول کنشگر توسط محققان به برساخت درجه دوم (به‌زعم شوتس) تبدیل می‌گردد (حبیبی، ۱۳۹۳: ۹۶). بر این اساس، در این تحقیق با رویکرد روش شناختی کیفی، با ۱۰ مادر و ۱۰ دختر آن‌ها مصاحبه عمیق انجام شد. انتخاب مادران و دختران بر اساس نمونه‌گیری نظری بوده و نیل به اشباع نظری صورت گرفته است. مادران و فرزندان آن‌ها از اقشار مختلف اجتماعی بوده‌اند.

که به صورتی هدفمند بر اساس تفاوت‌هایشان از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی انتخاب شده‌اند و معیار انتخاب نیز وضعیت تحصیلی مادران (فقدان تحصیلات تکمیلی) و دختران (دارا بودن حداقل مدرک لیسانس) بود. دختران انتخاب‌شده در محدوده سنی ۲۳ تا ۳۰ سال و مادران آن‌ها نیز در محدوده سنی ۴۷ تا ۶۰ سال قرار داشتند. در میان دختران، ۴ نفر ازدواج کرده و ۶ نفر مجرد بودند. میانگین سنی دختران ۲۶ سال و ۶ ماه و میانگین سنی مادران ۵۳ سال و ۹ ماه بوده است. بالاترین میزان تحصیلات در بین مادران، سطح دیپلم و کمترین در سطح سیکل بوده است. در دختران نیز کم‌ترین تحصیلات لیسانس و بالاترین سطح، مقطع دکترا بود. ۶ نفر از دختران شرکت‌کننده در پژوهش شاغل تمام‌وقت، ۲ نفر شاغل پاره وقت و ۲ نفر بیکار (یکی متاهل و دیگری مجرد) بوده‌اند. مادران شرکت‌کننده همگی خانه‌دار بوده‌اند.

پس از انجام مصاحبه‌ها، داده‌ها در سه سطح کدگذاری و تحلیل شدند. ابتدا مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس اشتراکات در گفته‌ها، به زبان خود کنشگران در کدگذاری باز مقوله‌بندی شد. در کدگذاری محوری، مقوله‌های مشترک همچون قطعات پازل به یکدیگر وصل شدند و در کدگذاری گزینشی این مقولات در بستری گسترده‌تر قرار گرفتند. به همین دلیل یافته‌های تحقیق از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده و مقوله‌بندی داده‌ها به دست آمده است.

یافته‌های پژوهش

در بررسی یافته‌های پژوهش حاضر مواردی استخراج شد که شکاف نسلی بین مادران و دختران را نشان می‌داد. با توجه به هم‌جنس بودن دو گروه شرکت‌کننده آنچه در این بین تعیین‌کننده تلقی شد، تحصیلات دانشگاهی تمامی دختران و تحصیلات غیردانشگاهی تمامی مادران شرکت‌کننده بود. دختران و مادران در مورد مفهوم هویت، زن ایده آل، مرد ایده آل، آرزوها و آرمان‌هایشان و علل نرسیدن به آن‌ها، سن ایده آل ازدواج، بررسی مفاهیم عشق - ازدواج - کار، گذران اوقات فراغت، نحوه استفاده از پول و شرایط ازدواج مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش محققان، در جست‌وجوی شناسایی تفاوت‌های دیدگاهی، باورها و ... بوده‌اند.

• تقابل نقش‌های سنتی و مدرن

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در هویت‌یابی متفاوت این دو نسل، در نسبت دادن نقش سنتی با نقش جدید اشتغال به هویت خود آشکار شد.

در پرسش از هویت مادران و دختران، از هر کدام به صورت جداگانه خواسته شد تا چيستی خود را تعريف کنند و به معرفي خود بپردازند. افراد براي معرفي خود از صفات يا ويژگي هايي استفاده مي کنند که خود را با آن مي شناسند و به ديگران نيز چنين مي شناسانند. دختران در مصاحبه در بيان هویت خود عموماً به شغل و يا رشته تحصيلی خود و در مراتب بعدی به برخی از صفات بارز خود اشاره کرده اند. براي مثال:

"من متخصص مشاور خانواده هستم". (دختر ۲۵ ساله، کارشناسی ارشد مشاوره)

"من کافه دار هستم". (دختر ۲۷ ساله، کارشناسی ارشد علوم تربیتی، صاحب کافه)

"من کامپیوتر خوندم، اونم دانشگاه تهران". (دختر ۲۴ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد کامپیوتر)

این در حالی است که مادران شرکت کننده در این طرح پژوهشی، خود را با فرزندان و خانواده خود معرفي می کردند. به عنوان مثال، یک مادر متذکر شد:

"من سه تا بچه دارم؛ دو دختر و یه پسر...". (مادر ۵۶ ساله خانه دار)

• تعابیر متنوع از "زن ایده آل"

تصور "زن ایده آل" برای نسل دختران، زنی بود که از نظر ذهنی و روحی، قدرتمند باشد؛ اما برای نسل مادران، زن ایده آل، زنی مؤمن و متعهد به خانواده بود. آن ها برخلاف دختران معتقد بودند که اولویت ابتدا باید خانواده و سپس شغل و پیشرفت فردی باشد. آنچه دختران مطرح می کردند و بر آن تأکید داشتند، "استقلال زن" چه در خانه و چه در اجتماع بود. زن ایده آل از دیدگاه آنان باید هویتی مستقل داشته باشد. دختر ۲۷ ساله مجردی در این مورد اذعان داشت:

"کلاً در خصوص زن ایده آل، من معتقدم که زن ایده آل کسی هست که هم از نظر ذهنی و هم مالی مستقل باشه، به کسی تکیه نکنه، بدونه چی از زندگیش می خواد. می دونی... خیلی از زن ها وقتی که بچه هاشون ازدواج می کنن و یا خارج از ایران می رن، دیگه هیچی برای خودشون ندارن، یه جوری دچار خلا می شن - من خیلی می ترسم اینجوری بشم. خب... برای همین سعی می کنم بیشتر از هر چیزی به خودم و استقلال خودم اهمیت بدم، حتی بعد از ازدواج و بچه دار شدن... خیلی می ترسم شبیه این زن هایی که گفتم بشم".

دختر ۲۹ ساله دانشجوی دکترا نیز در این مورد معتقد است:

"می دونی چی مهمه، بعضی ها الگوشون فقط مادرشونه. الگوهای مختلف رو بینن و بدونن رضایت و الگوشون توی چی هست و اون رو دنبال کنن، حتی اگه دلشون می خواد خانه دار باشن، آگاهانه انتخاب کنن، توی مسیر مادرشون کورکورانه جلو نرن... زن ها بدونن چقدر فرصت برای شکوفایی توانایی ها و استعدادهاشون دارن. حالا هرچی می خواد باشه... اما به طور کلی معتقدم زن ایده آل وجود نداره، انسان ایده آل آدمی است که به استعدادها و توانایی های خودش پی بیره و در جهت اون حرکت کنه».

دختری گرافیست و شاغل گفت:

"تو جامعه الان ما که زندگی آدمای توی فضای مجازی مثل اینستاگرام و تلگرام قابل دیدنه، آدمای راحت همدیگر را قضاوت می کنن و تو زندگی های همدیگه نظر میدن. به نظر من اینکه یه دختر مستقل و بدون در نظر گرفتن نظرات دیگران یا خوب و بد های کلیشه ای خودش تصمیم بگیره، اون رو به سمت ایده آل شدن می بره».

اما مادران این دیدگاه را نداشتند و زن ایده آل را محدود به خانه و خانواده می دانستند. مادر دختر ۲۶ ساله ای بیان کرد:

"دختر ایده آل، کسی است که به زندگیش و خودش اهمیت بده، فضای خونه رو آرام کنه و بهش برسه، دختری که دایم بیرون و پی کار باشه از نظر من ایده آل نیست".

• تعابیر متنوع از "مرد ایده آل"

در بررسی معیارهای همسرگزینی، برخی بر تمکن مالی مرد به عنوان معیار ایده آل بودن تأکید داشتند. با این حال، تمامی دختران در نمونه مورد بررسی، بر این باور بودند که مردی مناسب ازدواج است که تحصیلات دانشگاهی داشته باشد. دختر ۲۹ ساله و طراح وب اظهار داشت:

"نمی دونم... من برام مهم بود که شوهرم تحصیلات دانشگاهی داشته باشه. به نظرم آدمای وقتی می رن دانشگاه چشمشون بیشتر باز میشه. خودم خیلی مدرک گرا نیستم تا لیسانسم بیشتر نخوندم یعنی نیاز نداشتم، اما خب تحصیلات مرد یکی از معیارهام بود".

اما مادران حاضر در این جمعیت نمونه پژوهش، خانواده دوستی، ایمان، غیرت، سادگی، عدم گرایش به تجملات را از ویژگی های مردان ایده آل گزارش کرده اند.

• ازدواج زود هنگام

در پاسخ به پرسش سن ایده آل ازدواج، به نظر دختران ۲۷ و ۲۸ سالگی سن مناسب ازدواج بود. دختر ۲۹ ساله و مجردی در این مورد معتقد بود:

"با توجه به عرف جامعه و اینکه آدم خیلی تنها نمونه، ۲۷ سال سن خوبی. نزدیکای ۳۰ سالگی آدم به شناخت کامل تری از خودش رسیده، مسیر زندگیش روشن تره، قبل از این آدم خیلی متفاوت و زیاد تغییر می‌کنه".
دختر ۲۸ ساله و شاغل دیگری متذکر شد:

"دختر باید ۲۸ سالگی ازدواج کنه. زودتر نه. باید به پختگی برسه. باید هر کاری که دوست داره رو انجام بده و موقع ازدواج متعهد باشه... زودتر از اون رو موافقش نیستم، به نظرم حتی یک کم احمقانه است".
مادران سن مناسب ازدواج را ۲۳ و ۲۴ سالگی مطرح کرده‌اند، هرچند خودشان همگی بین ۱۶ تا ۲۰ سالگی ازدواج کردند. مادر دختر ۲۹ ساله‌ای خاطرنشان کرد:

"آن زمان مثل حالا نبود... دانشگاه رفتن و درس خوندن انقدر مرسوم نبود... مدرسه که تمام می‌شد، اگر خواستگار خوبی داشتیم، باید ازدواج می‌کردیم. خیلی‌ها حتی توی سن مدرسه هم عقد می‌کردند و گاهی دیگه درس نمی‌خوندن... خب اون زمان مانند حالا نبود که...".

• ازدواج و معیارهای همسرگزینی

شرایط و معیارهای دختران برای ازدواج نیز در میان گفت‌وگوها مورد ارزیابی قرار گرفت.
دختران در مورد خودشان، داشتن شغلی دائم یا پاره وقت که تا حد زیادی نیازهای مالی آن‌ها را رفع کند، از شرایط مناسب برای ازدواج می‌دانستند. شناخت کامل پسر پیش از ازدواج، عدم پذیرش ازدواج به عنوان راهی برای فرار از شرایط خانه، شناخت کافی نسبت به خود و خواسته‌هایشان، از دیگر مواردی بود که دختران به آن اشاره کردند. در این مورد می‌توان به صحبت‌های یک دختر ۲۵ ساله که مشاور خانواده است اشاره کرد:
"من قبل از آنکه با همسرم آشنا بشم، شاغل بودم... همیشه معتقد بودم یک دختر باید از نظر مالی به خودش متکی باشه و بعد ازدواج کنه... می‌دونی... وقتی پسری تو را به عنوان یک دختر شاغل می‌شناسد و قبول می‌کند، جور دیگری رویت حساب باز می‌کند تا اینکه بخواهی از هر نظر به او وابسته باشی...".

اما مادران ویژگی خاصی را برای دختر در حین ازدواج قائل نبودند. آن‌ها معتقد بودند که سن، مهم‌ترین عامل در هنگام تصمیم برای ازدواج بوده است و لزومی نداشته که دختران ویژگی خاص دیگری داشته باشند. مادر ۵۵ ساله‌ای بیان کرد:

"یه ضرب المثل قدیمی هست که میگه دختر که رسید به بیست، باید به حالش گریست (با خنده). خب راست بود دیگه. اون موقع ها اینجوری بود. دخترا انقدر ادا و اطوار نداشتند."

• مفاهیم عشق، ازدواج و کار

برای دستیابی به مفاهیم و تصاویر ذهنی کنشگران از تجربیات عینی زندگی خود و دستیابی به نقش تحصیلات و فاصله نسلی در این دو گروه سه مفهوم عشق، ازدواج و کار به مصاحبه شوندگان ارائه شد و از آن‌ها خواسته شد تا تعاریف خود را در این زمینه ارائه کنند.

۱. پراگماتیستیک شدن عشق

در ارائه مفهوم عشق دختران یا به آن معتقد نبوده یا آن را امری چالشی خواندند و مفهومی فرعی در کنار سایر امور زندگی قرار دادند. دختر ۲۹ ساله و دانشجوی دکتری اذعان داشت:

"من اعتقادی به عشق ندارم. عشق، باور غلطی است که بین افراد جا افتاده. اینکه زن و مرد به تفاوت‌های یکدیگر احترام گذاشته و برای عقاید هم ارزش قایل شوند، از همه چیز مهم‌تر است..."

مادران به‌عنوان نمایندگان نسل قبل، عشق را در شوهر و فرزندان‌شان می‌یافتند. مادر دختری ۲۵ ساله اذعان داشت:

"بچه‌ها و شوهر من، همه چیز من هستند... من تمام زندگی‌ام را صرف آن‌ها کردم تا خوب زندگی کنند... شرایط خانه را همیشه برای شوهرم آرام نگه داشتم تا بتواند کار کند... همیشه سعی کردم مشکلات خانه را خودم حل کنم تا به کسی فشاری نیاید، خب... این به نظرم عشق است دیگر..."

۲. ازدواج، امری الزامی یا اختیاری

در بررسی مفهوم ازدواج، دختران آن را مرحله‌ای جدید، اما نه ضروری می‌دانستند. دختر ۲۵ ساله و مربی مهد در این مورد بیان داشت:

"الآن ديگه ازدواج امری اجباری و تحمیلی نیست. افراد خودشان انتخاب می‌کنند که مجرد بمانند یا نه... می‌دانی... ازدواج مانند گذشته دیگر نباید حتماً اتفاق بیافتد...".

با این حال، مادران، ازدواج را امری اجتناب‌ناپذیر می‌شناختند. مادری ۵۵ ساله بیان کرد: "زمان ما همه ازدواج می‌کردند. ازدواج یک اتفاق عادی بود که باید حتماً انجام می‌شد، اما الآن زمانه خیلی تغییر کرده. دخترها مانند مردان درس می‌خوانند و کار می‌کنند. خیلی عجیبه، نه!! من شنیدم بعضی دختران می‌گن که نمی‌خوام ازدواج کنم. زمان ما این حرف‌ها نبود...".

۳. استقلال‌طلبی

در بررسی مفهوم کار، تمامی دختران آن را لازمه زندگی دانستند و این امر بین دختران شاغل و غیر شاغل مشترک بود. همان‌گونه که دختر دانشجوی ۲۶ ساله بیان کرد:

"لازمه وجود هر آدمی از نظر من کاره. فرقی نمی‌کنه زن باشی یا مرد... همه باید کار کنن و یا همه باید اجازه کار کردن را داشته باشند حتی اگر در مقطعی تصمیم بگیرند کار نکنند".

اما مادران کار را امری فرعی، در درجه دوم اهمیت پس از خانواده، شوهرداری و فرزندداری دانستند و ۷ مادر از ۱۰ نفر معتقد به کار سبک و پاره‌وقت برای زنان بودند. مادری ۵۳ ساله در این مورد اذعان داشته است: "وظیفه زن مادری است. اصلاً طبیعت زن اینه. این مرده که باید کار کند و نان آور باشه. زن باید بچه‌ها رو تربیت کنه. حالا حتی اگه زنی خواست کار کند، عیبی ندارد... اما کارهای سبک و نیمه وقت که بتونه به خانه زندگی‌اش هم برسد".

• حسرت‌ها و آرزوهای فروخورده

در پرسش از ارزش‌های مادران و دختران و آنچه در پی آن هستند و با آنچه همیشه در حسرتش بودند، مادران شرکت‌کننده خود را در حسرت ادامه تحصیل می‌دیدند؛ همان‌گونه که مادر یک دختر ۲۶ ساله اشاره کرد: "من دوست داشتم درس بخوانم، اما این مورد تایید خانواده‌ام نبود. آن زمان همه باید بعد مدرسه ازدواج می‌کردند، درس خوندن، کاری تجملی بود...".

این در حالی است که دختران ارزش‌های متفاوتی مانند پولدار شدن، پیدا کردن شریک زندگی مناسب، داشتن قدرت و نفوذ بیشتر و رسیدن به شغل ایده‌آل را مطرح کردند. دختر ۲۵ ساله متأهل شرکت‌کننده در پژوهش متذکر شده است:

"من باید از شوهرم درآمد بالاتری داشته باشم... من یک فرد مستقلم و دوست ندارم جز از نظر احساسی به شوهرم تکیه کنم". مادران علت نرسیدن به خواسته‌شان را ازدواج در سن پایین، زود بچه‌دار شدن و ایجاد محدودیت در خانواده بیان کرده‌اند، درحالی‌که دختران، تنبلی خود، بی‌پولی و ساختار فرهنگ و جامعه را علل ناکامی در آرزوهای خود دانسته‌اند.

• تعیین‌کنندگی مردان در زندگی

نقش پررنگ برادران در تصمیم‌گیری‌ها و ترس‌های مادران از جمله یافته‌های تحقیق است. این در حالی است که هیچ‌یک از نمایندگان در نسل دختران، نقش مؤثری را برای برادرانشان متذکر نشده‌اند. مادری ۴۷ ساله در این مورد اذعان داشت:

"همیشه می‌ترسیدم برادرم من را در کوچه هنگام بازی ببیند... هنوز هم گاهی شب‌ها این خواب را می‌بینم و می‌ترسم... سال‌ها از آن ماجرا گذشته اما برای من انگار همین دیروز بود...".

مردان در زندگی زنان در مواجهه آن‌ها با پول نیز نقش دارند. یکی از تفاوت‌های میان مادران و دختران نحوه استفاده از پول است. دختران شاغل متأهل و غیرمتاهل خود برای پول و درآمدشان برنامه‌ریزی می‌کنند. دخترانی که درآمدی ندارند و وابسته به پدران یا شوهرانشان هستند نیز خودشان برای پول برنامه‌ریزی می‌کنند و هر دو گروه بیشتر پولشان را صرف خودشان می‌نمایند. دختر ۲۷ ساله و صاحب کافه می‌گوید:

"من بخشی از پولم را برای خانه و یا کارم خرج می‌کنم، اما بقیه را یا برای خودم پس‌انداز کرده و یا آنچه می‌خواهم را می‌خرم... هیچ‌کس در رابطه با پول من تصمیم‌گیرنده نیست... جز خودم...".

پس‌انداز مالی یکی از دغدغه‌های اصلی دختران بود، اما مادران متفاوت‌تر از دخترانشان عمل کرده‌اند و تمامی پولی را که از همسرانشان می‌گیرند، صرف امور خانه نموده‌اند و هیچ‌گونه پس‌اندازی برای خود ندارند. مادر ۵۸ ساله‌ای در این مورد گفت:

"من که خرجی ندارم. پولی که از شوهرم می‌گیرم رو مایحتاج خونه می‌خرم. یه وقت‌ها هم برای دل خودم یه چیز کوچیک می‌خرم، اما نه همیشه".

مادر یک دختر ۲۴ ساله گفت: «پس انداز؟ یه وقتا یکم پول توی کابینت برای روز مبادا می‌گذارم، اما خیلی نیست. بیشتر برای اینکه جمع کنم کاریش کنم. حساب بانکی دارم، اما خیلی استفاده نمی‌کنم».

• دایره محدود گذران اوقات فراغت

نحوه گذراندن اوقات فراغت در بین افراد شرکت‌کننده متفاوت بود. دختران فعالیت‌های متنوعی مانند کتاب خواندن، رسیدگی به خود، بیرون رفتن، معاشرت با دوستان، دیدن فیلم و تئاتر، استراحت کردن و خرید را در اوقات فراغت خود انجام می‌دادند. از بین شرکت‌کنندگان دختر، انجام فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه نیز توسط برخی ذکر شد؛ چنان که دختر ۲۷ ساله‌ای متذکر شد: "کار داوطلبانه‌ام تو یه خیریه مخصوص معلولین خیلی سخت بود، داوطلب بودم اما تهش احساس می‌کردم کاری که می‌کنم برای یه سری آدم توان یاب هست و این خیلی بهم انرژی مثبت می‌داد. الان نمی‌رم. فقط در حد به اشتراک گذاشتن ویدیوها و... کار می‌کنم. راستش فرصت نمی‌کنم. از صبح تا شب درگیر کارم، وقتی برام نمی‌مونه... اما کار خیریه نکردن مثل یه حفره شده توی قلبم، احساس رضایتم از خودم خیلی کمتر شده، اون موقع‌ها بیشتر از خودم راضی بودم".

مادران بیان کردند با وجود آن که در زمانی که کم سن و سال بودند، وقت آزاد زیادی داشتند، اما کار خاصی جز خیاطی، گلدوزی و رفت‌وآمد با اقوام انجام نمی‌دادند. آن‌ها متذکر شدند که البته در زمان آن‌ها فضاهای تفریحی برای زنان به مراتب کمتر از اکنون بوده است.

• عدم امنیت شبانه

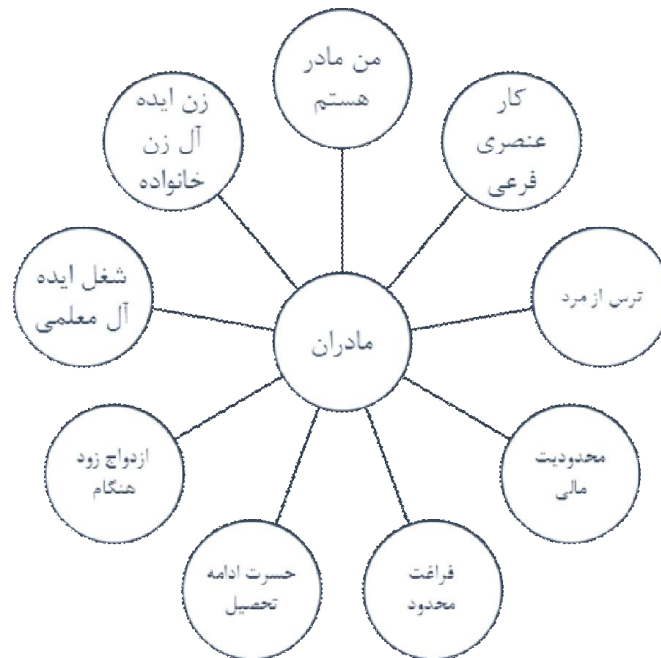
مادران در دوران جوانی خود کم‌تر شب‌ها به تنهایی از خانه خارج می‌شدند؛ چنان که یکی از مادران اشاره کرده است:

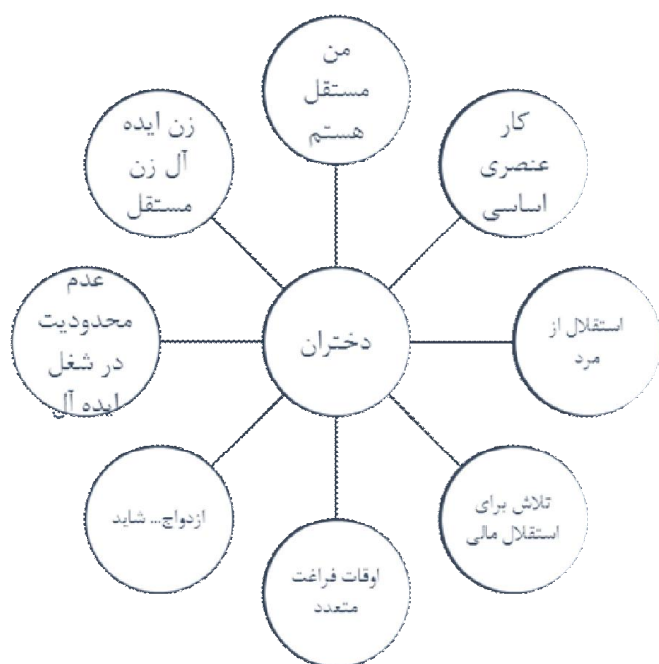
"شب آن‌قدر همه‌جا تاریک می‌شد که نمی‌شد جایی رفت. مثل الان نبود که همه جا شلوغ باشه. خیلی هم خوبیت نداشت که دختر تنها موقع تاریکی بیرون باشه".

اما این امر در میان دختران مشاهده نشد و عبور و مرور در شب برای آنان مشکلی را ایجاد نکرده است.

• شغل‌های مراقبتی مادران

هر کودکی در ذهن خود، آینده‌اش را در شغلی خاص می‌بیند. شغل موردعلاقه مادران مورد مصاحبه، معلمی، خیاطی و پرستاری بود. این شغل‌ها، مشاغل زنانه‌ای هستند که با مراقبت و پرورش شناخته می‌شوند. مشاغلی مانند وکالت، خبرنگاری، رستوران‌داری، پزشکی و خلبانی شغل‌های ایده‌آل دختران بود. این نشان‌دهنده افزایش شرایط و امکانات برای زنان و به تبع آن گسترش دامنه انتخابات و انتظارات نسل جدید است.





دختران	مادران	یافته‌های تحقیق
نقش‌های کاری و تخصصی	نقش‌های وابسته	تقابل نقش‌های سنتی و مدرن
قدرت	متعهد و مومن	تعابیر متنوع از زن ایده آل
تمکن مالی، تحصیلات بالا	خانواده دوستی، ایمان و غیرت	تعابیر متنوع از مرد ایده آل
مخالف با ازدواج زود هنگام	موافق با ازدواج زود هنگام	ازدواج زود هنگام
ازدواج غیر ضروری، بی‌اهمیتی عشق، اهمیت اشتغال	اهمیت ازدواج و عشق، بی‌اهمیتی کار	ازدواج و معیارهای همسرگزینی (عشق، ازدواج و کار)
پول	ادامه تحصیل	حسرت‌ها و آرزوهای فروخورده
بی‌اهمیتی مردان	اهمیت مردان	تعیین‌کنندگی مردان در زندگی
خروج از خانه	کار خانگی، خیاطی، گلدوزی و ...	دایره محدود گذران اوقات فراغت
وجود امنیت	عدم امنیت	امنیت شبانه
وکیل، پزشک	معلمی، خیاطی و پرستاری	شغل ایده آل

یافته ها	نظریه ها	
مادران: وابستگی نقش، اختصاص زمان به خانواده	تفاوت در ارزش ها	گسست نسلی
دختران: استقلال نقش، اختصاص زمان به خود		
مادران: عدم توجه به امور مالی، عدم اهمیت اشتغال	تفاوت در امور مادی	
دختران: اهمیت امور مالی، اهمیت اشتغال		
مادران: عدم ادامه تحصیل، ترس از مرد	تفاوت در جامعه پذیری	
دختران: ادامه تحصیل، عدم ترس از مرد		
مادران: فراغت محدود	تفاوت در تجربه ها	
دختران: فراغت آزاد		

بحث و نتیجه گیری

در مجموع، تفاوت میان سطوح تحصیلات زنان دو نسل منعکس کننده فاصله‌ای بین دختران دارای تحصیلات عالی با مادران فاقد این سطح از تحصیلات بود که در این تحقیق به عنوان عاملی تعیین کننده برای شناسایی فاصله نسلی و نمود آن در شئون مختلف زندگی دو نسل از زنان- دختران و مادرانشان- در نظر گرفته شده است؛ فاصله‌ای که میان ارزش‌های یک نسل و نسل دیگر به چشم می‌آید. یافته‌های تحقیق شواهدی از بروز تفاوت‌های قابل لمس در حیطه تعریف نقش، هویت پذیری، انگیزه فعالیت و کار، معیارهای همسرگزینی، انتظار از نقش‌های زناشویی، آرمان‌گرایی و مسئولیت‌پذیری در میان دو نسل متوالی زنان جوان در تهران را منعکس ساخته است.

تحصیلات تکمیلی، معیاری تعیین کننده برای تبیین و شناسایی تفاوت‌های بین نسلی در حوزه هویت‌یابی و آرمان‌گرایی در دختران و مادران و تفاوت دو نسل در این پژوهش تلقی شده است؛ مادران به‌عنوان نسل پیشین دارای ایده‌آلهایی برای زندگی خود بوده‌اند و دختران در نسلی دیگر، ایده‌آلهای خود را با تنوع بیشتری برای خود پرورانده‌اند. در نسل گذشته، مسیر زندگی برای یک زن مشخص و نسبتاً محدود بود. مسیری یکنواخت که به ازدواج ختم می‌شد؛ این مسیر در جریان جامعه‌پذیری فرد برای او به‌صورت امری بیرونی و خارجی منتقل می‌شد. اما شاید بتوان گفت این واقعیت عینیت یافته در نسل‌های بعد با تغییرات زیادی همراه شده و امروز نسل بعد از مادر - فرزند دختر او - با مسیر و امکان‌گزینه‌های مسیره‌های متفاوت و بیش‌تری مواجه است.

در مادران، نقش سنتی مادری بخشی از هویت تعریف شده آنهاست و در تعریف نقش به معنای مدرن آن برای دختران، اشتغال معنای محوری در تعریف ایشان از "خود" گزارش شده است. افراد، صفات خود را در تعاریفی که دیگران از ایشان ارائه می‌کنند برمی‌گزینند؛ چنان که کولی نیز در مراحل تعریف خود آینه‌سان اشاره کرده است که ما با دیگری مواجه می‌شویم، او تعریفی از ما در ذهن خود می‌پروراند و ما بر اساس تعریف او و آنچه او در ما یافته است، خود را تعریف می‌کنیم (ریترز، ۱۳۸۹: ۱۷۴). در واقع، ما خود را در نگاه دیگران جست‌وجو می‌کنیم. انسان‌ها در مکتب کنش متقابل نمادین علاقه دارند تا تصویری را که دوست دارند دیگران ببینند، بازنمایی کنند. صفات ما حکایت از نگاه دیگران یا جامعه از ما دارد.

در این تحقیق تفاوت‌هایی میان مادران و دختران در اموری همچون: تعریف نقش، هویت پذیری، انگیزه فعالیت و کار، معیارهای همسرگزینی، انتظار نقش، آرمان‌گرایی و مسئولیت‌پذیری یافت شد.

شخصیت وابسته زن سنتی به خانواده، موجب می‌شود وی هنگام ارائه تعریفی از هویت خویش، خود را با خانواده و فرزندان خود تعریف کند، اما در زنان امروزی استقلال فکری و عملی و افزایش حیطه‌های فعالیت باعث می‌شود که خود را با اموری غیر از خانواده همچون: رسیدگی به خود، کار و تنوع علائق که از ویژگی‌های برجسته جامعه مدرن است، بازنمایی کنند. با افزایش تحصیلات، زنان در جامعه امروزی هویت مستقل‌تری برای خود قائل هستند. پارسونز در تعریفی کارکردگرایانه، به تغییر کارکرد خانواده از شکل گسترده آن به خانواده هسته‌ای پرداخته است. خانواده گسترده که کارکرد اصلی آن پرورش فرزندان و بقای نسل بود، وظیفه برطرف کردن تمام نیازهای اعضای خانواده را بر عهده داشت، اما در خانواده هسته‌ای جدید، افراد دارای استقلال مادی و معنوی بیش‌تری هستند (ریترز، ۱۳۸۹: ۴۵). در این تحقیق نیز دختران هویت خود را مستقل از خانواده می‌دیدند و بیشتر با کار خویش تعریف می‌کردند. همچنین، انتظاراتی که زنان در جامعه امروزی از زن ایده‌آل در جامعه داشتند با مادران متفاوت بود؛ در حالی که مادران "زن ایده‌آل" را محدود به خانه و خانواده خود می‌دانستند، دختران زن ایده‌آل را فردی دارای استقلال مالی و ذهنی تعریف می‌کردند- این امر انگیزه کار و فعالیت مستقل را در آنان تقویت می‌کرد.

گیدنز (۱۳۹۳: ۲۰۲) اشاره کرده است امروزه افراد کم‌تر به ازدواج گرایش دارند و اگر هم قصد آن را داشته باشند، این امر در سنین بالاتر اتفاق می‌افتد. اگر هم ازدواج رخ دهد، احتمال طلاق بسیار بیش از گذشته است

و بعد از طلاق نیز، افراد نسبت به گذشته راحت تر دست به ازدواج دوم می‌زنند. حتی ممکن است افراد با یکدیگر ازدواج نکنند و به زندگی خارج از ساختار رسمی در کنار یکدیگر تن دهند. همه این‌ها نشان از تغییر دارند. این تغییر که گیدنز در کتاب خود به صورت امری عمومی مطرح می‌کند، به دغدغه‌ای در کشورهای چین و بریتانیا تبدیل شده است. در ایران نیز با افزایش تحصیلات در زنان، میانگین سن فرد در اولین ازدواج افزایش یافته و از سویی دیگر، به نسبت، گرایش کمتری به ازدواج در آن‌ها مشاهده شده است - الگویی که در نسل‌های پیشین دیده نمی‌شود. با افزایش سطح تحصیلات در زنان، الگوها و سبک زندگی آنان نیز تغییر می‌کند؛ چنان که در پرسش از دختران در تعریف خود از ازدواج برخی، آن را امری غیرمحمول دانسته‌اند و علاقه‌ای به آن نداشتند، اما این در نمونه نسل مادران دیده نشد؛ به گونه‌ای که ازدواج را در هر صورت تقدیر خود می‌دانستند. این نکته در برخورد پاسخگویان نسبت به طلاق نیز مشاهده شد. دختران جوان رویکرد مسامحه‌آمیزتری نسبت به مادران خود درباره طلاق داشتند؛ به طوری که مادر ۶۰ ساله‌ای در مصاحبه اشاره کرد: "من تلاش کردم در هر صورت رابطه‌ام رو حفظ کنم. از طلاق خوشم نمیاد، صورت خوشی هم نداره".

درحالی که دختر وی در پاسخ به مصاحبه گر رویکردی منعطف‌تر داشته و ابراز کرد:

"طلاق هم اتفاق میفته، نه که خوشم بیاد، اما خب شد هم شد. اگه طرف خوب نباشه، خب طلاق می‌گیرم. این طوری نیست که بسوزم و بسازم!"

معیارهای زن سنتی از همسرگزینی با توجه به یکدستی جامعه مکانیکی سنتی (دورکیم، ۱۳۸۷: ۷۸) دارای تشابهات و ویژگی‌های از پیش تعیین شده‌ای است. توانایی استقلال مرد و پشتوانه اقتصادی بودن او از ویژگی‌های همسرگزینی در زن سنتی است، درحالی که در جامعه‌ی ارگانیکی با ازدیاد نقش‌ها و مسیرهای زندگی، معیارهای همسرگزینی نیز بیش از پیش فردیت می‌یابند. نقش‌ها در جامعه مکانیکی برای افراد از پیش تعیین شده است. افراد با توجه به مسئولیت‌های زن خوب، نقش ثابتی را همچون خانه‌داری و مراقبت از فرزندان برای خود برگزیده‌اند، درحالی که در جامعه‌ای که در آن تفکیک نقش‌ها صورت گرفته است، نقش‌ها برای افراد دارای تعاریف متعددی هستند. برای زن سنتی حوزه فعالیت، خانه است - به معنای حوزه خصوصی، اما برای زن امروزی، شهر حوزه فعالیت و کنش است. با افزایش تخصص در زنان و با یادگیری مهارت‌های

حرفه‌ای، نحوه گذران اوقات فراغت نیز در زنان تغییر می‌یابد. زنان سنتی به صرف اوقات خود در اموری چون خیاطی یا همراهی با خانواده گرایش دارند و زنان مدرن به امور تخصصی‌تر می‌پردازند.

همچنین، در نحوه استفاده از پول نیز زن سنتی هویت وابسته‌ای دارد. در صورت عدم اشتغال، درآمد زندگی‌اش را از همسرش دریافت می‌کند، در حالی که در جامعه مدرن پول از ارکان اصلی جامعه است. در جامعه‌ای که پول حرف اصلی را می‌زند، فردیت تشدید شده است (زیمل، ۱۳۹۲: ۶۴) و هرکس برای به دست آوردن آنچه ما را به اشیای دلخواهش نزدیک می‌کند تلاش می‌نماید. این تلاش در جامعه امروزی زن و مرد نمی‌شناسد، چراکه آمال و آرزوها نیز فردیت بیش‌تری یافته‌اند.

زنان سنتی به علت کمبود رفت و آمد خارج از خانه، تعداد دوستان کم‌تری نسبت به زن مدرن دارند. در جامعه مدرن عاملیت به جای فشار جمع، نقش بازی می‌کند و موجب می‌شود فرد بیش‌ازپیش در حوزه عمومی بیرون از خانه حضور فعال داشته باشد و معاشرت‌های خود را بر اساس اولویت‌های خویش تعیین کند. زن امروزی در صورتی که احساس همبستگی و نزدیکی با کسی همچون فامیل و بستگان نداشته باشد، نیازی به معاشرت با آنها نمی‌بیند، چراکه معاشرت‌های جایگزینی که خود انتخاب کرده را در اختیار دارد.

زن سنتی کم‌تر به تغذیه و سلامت خود اهمیت می‌دهد. فرزندان در انگاره "زن خوب" در اولویت هستند. زن، ستون خانواده است و در درجه اول باید وقت، انرژی و هزینه خود را صرف فرزندان کند و سپس همسر و آخرین نفر خود اوست که مورد توجه قرار می‌گیرد- اما این امر درباره زن نسل امروز کم‌تر صدق می‌کند. ایده آل‌ها، آرمان‌ها و آرزوها اموری هستند که در بسیاری مواقع دست‌نیافتنی‌اند. زن سنتی ایده‌آلهایی دارد که جامعه سنتی برای او از پیش تعیین کرده است، در حالی که زن نسل نو، احتمالاً پا را از این فراتر گذاشته و به ایده‌آلهای فردی خود می‌نگرد. زن امروز، قوه تخیل فعال‌تری نسبت به زن سنتی دارد.

دختران خود را با نقش‌های جدیدشان در جامعه و مادران با نقش مادری خود تعریف می‌کنند. دختران برای خود هویتی مستقل قائل‌اند، در حالی که مادران خود را با خانواده خویش می‌شناسند. دختران بیش از مادران انگیزه کار و فعالیت و حضور در اجتماع را دارند، چراکه خانواده‌ها دیگر همچون گذشته گسترده نیستند و با شکل‌گیری خانواده هسته‌ای، روابط بیرون از خانواده بیش‌تر شکل می‌گیرد. همچنین با بسط شهرنشینی، تغییر کارکردهای خانواده و جایگزینی محیط‌هایی چون مدرسه، دانشگاه و محیط کار برای فرد، دایره تعاملات فرد

گسترش می یابد و تنها به خانواده محدود نمی شود. این امر موجب می شود که با گسترش کار و فعالیت اقتصادی- که ناشی از افزایش تحصیلات در زنان است- استقلال زنان نیز بیش تر شود و معیارهای آنان برای ازدواج تغییر کند. در نمونه های بررسی شده، زنان امروز تهران دیگر همچون مادرانشان در جست و جوی مردی نیستند که به دنبال آنان بیاید یا خانواده برای آن ها انتخاب کند، بلکه خود دست به کنشگری و انتخاب می زنند. بر این اساس معیارهای همسرگزینی آنان نیز تغییر کرده است و جدایی و طلاق نیز برایشان سهل الوصول تر شده است.

بدین ترتیب، با توجه به یافته های این تحقیق می توان گفت که زنان امروزی نسبت به مادران خود دارای فاصله نقشی هستند؛ این فاصله فزاینده در زنان که با افزایش تحصیلات آنان همراه بوده است، می تواند گستره وسیع تری از آمال و آرزوها، مسئولیت پذیری و خودکفایی را برای زنان امروز به نمایش بگذارد.

شرایط نو و ناشناخته ای که در خلال یافته های این پژوهش در ابعاد مختلف زندگی و نقش های اجتماعی نسل جوان دختران مورد شناسایی قرار گرفت، می تواند عملاً زمینه ای برای یادگیری نقش و تطابق ایشان با انتظارات جدید از نقش های اجتماعی شان در عرصه خانواده و اجتماع را برایشان از طریق آزمون و خطا فراهم کند. وقتی نقش پذیری و الگوهای برقراری ارتباط نسل جوان، الزاماً از الگوهای سنتی قدیمی پیروی نمی کند و دارای تعاریف روشن و تعریف شده و مدونی نیست، نظارت نسل قبل بر نسل جدید نیز شیوه های نوینی می طلبد و ضرورت تقویت نظارت اجتماعی درونی اهمیت بیشتری نسبت به نظارت اجتماعی از نوع بیرونی پیدا می کند. سیاست گذاری و برنامه ریزی امروز مستلزم اهتمام به شرایط نوین زندگی نسل دختران جوان با توجه به دگرگونی های روز اجتماعی، بازشناسایی اهمیت و جایگاه خانواده، تدارک آموزش های لازم برای آماده کردن افراد برای تشکیل خانواده و تاکید بر اتخاذ سبک زندگی خانوادگی سالم از نقطه نظر سلامت اجتماعی و خانواده ای دارای نظام ارتباطی و حمایتی سالم است که هم در سطح روابط درون- نسلی (میان همسران) و هم بین- نسلی (در سطح والدین و فرزندان) مد نظر قرار گرفته باشد. این گونه برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها در حکم ابزاری برای مسئولان است که در راستای تضمین سلامت جامعه در ابعاد وسیع تر که می تواند نقشی پیشگیرانه در برابر آسیب های اجتماعی متوجه نسل نو داشته باشد، عمل می کند.

تدارک برنامه‌های اقدام و مداخلاتی با توجه به سلامت اجتماعی و ساختار ارتباطی برابرگرا که مستلزم تامین عدالت جنسیتی است همراه با مکانیزم تقویت حمایت‌های اجتماعی و نظارت اجتماعی، از سوی دستگاه‌های مختلف مملکتی می‌تواند به پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده و ارتقای اعتماد، همدلی و سرمایه اجتماعی منتهی شود.

علاوه بر راهکارهای سیاست‌گذاری، محققان در بسط نظریه مورد استفاده و داده‌های به دست آمده، به این نظریه رسیدند که فاصله بین نسلی، عاملی در تفاوت هویت‌یابی مادران و دختران و آرمان‌گرایی این دو گروه به شمار می‌آید؛ عاملی که به عنوان متغیر پنهان در این تفاوت تاثیرگذار است، نقش تحصیلات دانشگاهی میان دو گروه مادران و دختران است. مادران با توجه به جامعه پذیری متفاوت، با ازدواج زودهنگام از فرصت تحصیلات دانشگاهی و کاریابی محروم شده و در نتیجه در کلیشه‌های جنسیتی محصور گردیده‌اند، اما دختران با توجه به جامعه پذیری متفاوت، امکان تحصیلات دانشگاهی را برای خود انتخاب کرده‌اند و با گرایش به کاریابی، رویکردی واقع‌گرایانه تر نسبت به ازدواج دارند.

منابع

- جهانبخش، اسماعیل. (۱۳۹۵). "عوامل شکاف نسلی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی والدین و فرزندان در استان اصفهان". فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال ششم. شماره بیست و یکم. ۱۳۹۵.
- غلامحسین. (۱۳۹۳). *بیش روش‌شناختی*. تهران: کتاب همه
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۱). "ضرورت تحول در سیستم آموزشی بر اساس سیاست‌های جمعیتی، مدل توسعه با آموزش سازگار شود".
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۷). *درباره تقسیم‌کار اجتماعی*. باقر پرهام. نشر مرکز
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- زیمل. گئورگ. (۱۳۹۲). *درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی*. شهناز مسمی پرست. تهران: نشر ثالث
- ساروخانی، باقر. صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۸۸). "شکاف نسلی در خانواده ایرانی، دیدگاه‌ها و بیش‌ها". پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. سال سوم. شماره چهارم.
- سیفی، زهرا. (۱۳۹۴). "هفتاد و پنج هزار کارت شرکت در آزمون دکتری نیمه متمرکز ۹۵ صادر شد".
- شفرز، برنارد. (۱۳۸۹). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*. کرامت الله راسخ. تهران: نشر نی
- عباسی اسفجیر، علی اصغ؛ سام، شیما و امیران، ریحانه. (۱۳۹۲). "شکاف نسلی در ارزش‌ها: بررسی مقایسه‌ای جوانان و سالمندان". مطالعات علوم اجتماعی ایران. سال دهم. شماره سی و هشتم.
- عیوضی، غلامحسین. (۱۳۹۴). "بررسی جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران پس از انقلاب اسلامی با تأکید بر عناصر فرهنگی هویت ایرانی". فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی. ۳(۳).
- گیدنز، آنتونی. با همکاری کارن بردسال. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی*. حسن چاوشیان. تهران: نشر نی
- معید فر، سعید. (۱۳۸۰). "شکاف نسلی یا گسست فرهنگی و بررسی شکاف نسلی در ایران". نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۴.

- Berger, P. L., & Luckmann, T. (1991). **The social construction of reality: A treatise in the sociology of knowledge**. No. 10. Penguin UK.

Identity Acquisition of New Generation of Iranian girls emphasizing on Higher Education

Shirin Ahmad Nia

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Social Sciences, University of Allameh, Tehran, Iran

Shamim Sharafat

Ph.D. Student in Social Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Kiana Taghikhan

Master degree in Education and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran

Received:22 Apr. 2017

Accepted:31 Jul. 2017

In the modern Iran, with the rapid ideological and value changes we are confronting a new generation of girls in Iran's multicultural society with latest lifestyles, choices, values and goals in comparison with their mothers. The authors of the research have tried to examine the ideals and believes between two different generations of Iran's recent society: the generation of women with university education and their mothers' generation without university degree. The variety of paths for the girls in their minds or in their lives' experiences will be shown in the generation gaps is the main result of this research. In the process of semi structured deep interviews with the meaningful samples of girls with higher educational backgrounds in different fields and their mothers the results showed evidence in concrete differences in role definition, self-identity, work motives, matrimony standards, marriage roles expectations, between two generations of women in Tehran.

Key words: Women Roles, Ideals, Higher Education and Generation Gap